

ش **روزنامه**

یكشنبه ۲۴ اسفند ۱۳۹۹ • ۳۰ رجب ۱۴۴۲ • ۱۴ مارس ۲۰۲۱

سال هجدهم • شماره ۳۹۶۲ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۳ • اذان مغرب ۱۸:۲۹

اذان صبح فردا ۴:۵۲ • طلوع آفتاب ۶:۱۵

فardashargh@gmail.com

روزنامه‌روا



جشن تکلیف حدود ۵۰ دختر تازه تکلف‌شده هم‌زمان با عید میعت در امامزاده پنج‌تن (ع) برگزار شد. عکس: محمد ملکی، تسنیم



اتفاق

چشم‌انتظار روزهای بهتر

بزرگداشت احمدرضا احمدی و فیروزه گل محمدی در جشن لاک‌پشت پرنده

مفهومی شده است. در این فضا فعالیت‌هایی مثل ترویج کتاب‌خوانی، دیجیتال‌مارکتینگ، تبلیغات و روابط‌عمومی مؤسسات نشر و توزیع و پلتفرم‌های فروش کتاب و محتوا و حتی انتخاب کتاب‌های برگزیده، در هم آمیخته است. به نظر ما مخاطبان حق دارند بدانند انتخاب‌کنندگان، ترویج‌کنندگان، تبلیغ‌کنندگان و دست‌اندرکاران دیجیتال‌مارکتینگ و تولید محتواهای دیجیتال، با چه اهداف و روشی کار خود را انجام می‌دهند. ما برای پرهیز از این درهم‌آمیختگی مفهومی، همه فعالان را به شفافیت دعوت می‌کنیم و این شفافیت را از خود شروع می‌کنیم. گروه لاک‌پشت پرنده در حال حاضر متشکل از ۱۵ کارشناس و نویسنده و مترجم و منتقد و روزنامه‌نگار فرهنگی است. این گروه برای انتخاب کتاب‌ها و تدوین فهرست‌های فصلی تمام‌کتاب‌ها را بررسی می‌کنند و ۹ ماه از سال، یک هفته در میان و در دو ماه پایانی سال به صورت هفتگی در جلسات دست‌کم سه‌ساعته درباره کتاب‌ها بحث و‌گفت‌وگو می‌کنند. سپس این فهرست‌ها منتشر و کتاب‌ها در فروشگاه مرکزی شهر کتاب رونمایی می‌شود.

کتاب‌های داوران در اهدای نشان طلایی و نقره‌ای شرکت داده نمی‌شود و برای راهیابی به فهرست نیز توسط گروهی مستقل ارزیابی می‌شود. نیز آن دسته از داورانی که با مؤسسات انتشاراتی همکاری داشته باشند، درباره کتاب‌های آن ناشران حق رای ندارند. فهرست لاک‌پشت پرنده با پشتیبانی پژوهش‌نامه ادبیات کودک و نوجوان و فروشگاه مرکزی شهر کتاب ارائه می‌شود، اما گروه داوری در رای خود مستقل‌اند.

ما هنوز چشم‌انتظار روزهای بهتریم، روزهایی که تخیل و رؤیا راهی به سوی نور باز کند». حمید ابازری، محمود برآبادی، شکوه حاجی نصرالله، مینا حدادیان، شسویا حریری، علی‌اصغر سیدآبادی، فاطمه زمانی، شادای خوشکار، کیسو فغفوری، رودابه کمالی، نلی محجوب، مریم محمدخانی، فرمهر منجزی، ربابه میرغیانی و سیدمهدی یوسفی داوران فهرست «لاک‌پشت پرنده» هستند.

زنان

با این حال این گسترش‌ها، نگرانی‌هایی را نیز به دنبال داشته است. ما کماکان نگران دسترسی عادلانه کودکان و نوجوانان سراسر ایران به زیرساخت‌های فناوریانه و دسترسی برابر به آموزش و آثار فرهنگی و هنری و از جمله کتاب‌های باکیفیت هستیم. همچنین با بررسی کتاب‌ها و فعالیت‌های ترویج کتاب‌خوانی در شبکه‌های اجتماعی می‌بینیم که خانواده‌ها و برخی از فعالان، تمام کارکردهای کتاب‌های کودکان و نوجوانان در آفریدن رؤیاهای نو و جهان‌های تازه را یک سو نهاده، کتاب کودک را به ابزار آموزش مهارت‌ها فروگذاشته‌اند و با این نگاه کتاب‌ها را تبلیغ و ترویج می‌کنند.

از سوی دیگر به نظر می‌رسد گسترش فعالیت‌های ترویج کتاب‌خوانی در فضای دیجیتال به‌رغم همه شوق‌ها و امیدهایی که می‌آفریند، باعث درهم‌آمیختگی البته واکنش‌های زیادی را در شبکه‌های اجتماعی به همراه داشت. یکی از جدی‌ترین واکنش‌ها از سوی فرهاد دریا، خواننده معروف افغانستانی بود. آقای دریا در حساب فیس‌بوکش نوشت: «برای خنودنی دل چند بنیادگر، کودکان را به عصر حجر بازنگردانید». بسیاری از کاربران هم این تصمیم را به‌نوعی تفرکی طلبانه خواندند. شماری این تصمیم را به مذاکرات صلح دولت افغانستان با گروه طالبان ربط داده و گفته‌اند که چنین تصمیمی «زن‌ستیزانه» و «ناقض حقوق و آزادی دختران» یک روز پس از روز جهانی زن اتخاذ شده است. عطیه مهران، فعال اجتماعی، نوشته است: «ما با آمدن طالبان برای همین موضوعات مخالفیم، سارزد، شما قبل از طالب برای ما امارت اسلامی می‌سازید، بهتر است طالب آن عمارت را بسازد». جواد ناچی، روزنامه‌نگار نیز نوشته که «جمهوریت برای ورود به طالبان آمادگی می‌گیرد». سخنگوی وزارت معارف پس از این واکنش‌ها به بی‌بی‌سی گفت که این تصمیم پس از شکایت‌های مکرر دانش‌آموزان و والدین آنها اتخاذ کشور حدود تعیین کند».

مغز پزوه

هر پزشکی که یک بار با «علی دهباشی» روبرو شده باشد و صدای خس‌خس ریه مبتلا به آسم مزمن او را شنیده باشد و کمی نیز از تاریخچه فعالیت فرهنگی عظیم او اطلاع داشته باشد، کافی است که بداند او آدم تسلیم‌بنشو به ویروس کرونا نیست. چرا؟ جرایش برمی‌گردد به رابطه مغز و ریه در طول تجربه طولانی زیستن با بیماری آسم که بیماری در رابطه با نظام ایمنی بدن است. بدنی که پس از سال‌های طولانی زیستن در مواجهه با حمله‌های التهابی نفس‌تنگی آموخته تا چگونه با مسائل اختلال ایمنی مبارزه کند و راه زندگی‌کردن در کنار آن را بیاموزد. مثال برای مقایسه‌ای که در جهان ادبیات می‌توان پیدا کرد و به طور تطبیقی شرایط «علی دهباشی» را تا اندازه‌ای با آن همسان دانست، نمونه «مارسل پروست» نویسنده فرانسوی رمان بی‌نظیر «در جست‌وجوی زمان از دست‌رفته» است. آنچه نگرانی آگاهانه از مرگ را دامن‌ا در «پروست» زنده نگه می‌داشت، بیماری مزمن و آزاردهنده آسم بود که درمان ناپذیر می‌نمود. خواب‌آورها همراه با محرک‌های مصرفی، مُسکنی بیش نبودند و او دامن‌ا در معرض تهدید مرگ بود. عصب‌شناسان سرشناس زمان همراه با طبیبان دیگر به این نظریه رسیده بودند که این بیماری ناشی از خاطرات فراموش‌شده و رخداد و آگاهی در سستم عصبی و مغز فرد مبتلاست. همان طوری که از روایت‌های رمان «در جست‌وجوی زمان از دست‌رفته» برمی‌آید، او به‌عنوان یک بیمار آسمی آنچه از مجموعه دانسته‌ها و تجربیات متعدد در معاشرت با پزشکان آموخته بود، این بود که برای مبارزه با بیماری و مرگ

فرهنگی در اصفهان برگزار شد. مَر-آرت به‌عنوان کیوریتور این نمایشگاه ایده استفاده از مانتیورها را برای نمایش آثار استفاده کرد؛ اما باید در نظر داشت که فرانسه جزء معدود کشورهایی است که زبان و فرهنگ آن از سال‌های بسیار دور با مردم ایران همراه بوده است و این نمایشگاه به منظور بربرنگ‌ترکردن روابط فرهنگی بین این دو کشور انجام شد؛ اما نمایشگاه «ملاقات» حاصل همکاری گروهی جمعی از بانوان بود و از این جهت این نمایشگاه مصادف با روز جهانی زن (۸ مارس) برگزار شد. آن‌چنان که ما پیدا و پنهان را با تابلوی بافته‌شده گلناز پایانی ملاقات کردیم. هنرمند در قلب اثرش به ما مجال بافتن و تصویرکردن منظره خودمان را داد. با عکس لورر تیرگیان، در تارکی‌ای از رنگی کم شدید. این تاریخمی رنگین جایی است که هنرمند تجربه‌ای منحصربه‌فرد را زندگی می‌کند؛ او تصاویری خلق کرده که قبلا در تصور خویش دیده، اندیشیده و حتی آن را

فرانسوی و ایرانی-فرانسوی به مردم فرهیخته یکی از مهم‌ترین شهرهای ایران به لحاظ تاریخی و فرهنگی در اصفهان برگزار شد. مَر-آرت به‌عنوان کیوریتور این نمایشگاه ایده استفاده از مانتیورها را برای نمایش آثار استفاده کرد؛ اما باید در نظر داشت که فرانسه جزء معدود کشورهایی است که زبان و فرهنگ آن از سال‌های بسیار دور با مردم ایران همراه بوده است و این نمایشگاه به منظور بربرنگ‌ترکردن روابط فرهنگی بین این دو کشور انجام شد؛ اما نمایشگاه «ملاقات» حاصل همکاری گروهی جمعی از بانوان بود و از این جهت این نمایشگاه مصادف با روز جهانی زن (۸ مارس) برگزار شد. آن‌چنان که ما پیدا و پنهان را با تابلوی بافته‌شده گلناز پایانی ملاقات کردیم. هنرمند در قلب اثرش به ما مجال بافتن و تصویرکردن منظره خودمان را داد. با عکس لورر تیرگیان، در تارکی‌ای از رنگی کم شدید. این تاریخمی رنگین جایی است که هنرمند تجربه‌ای منحصربه‌فرد را زندگی می‌کند؛ او تصاویری خلق کرده که قبلا در تصور خویش دیده، اندیشیده و حتی آن را با رعایت کامل پروتکل‌های بهداشتی داد. مریم پورا‌حمند و مریم نظری اعضای اصلی و پدیدآورنده‌های مَر-آرت (تیم فرهنگی و هنری مستقر در پاریس، پاریس، لندن و تهران) هستند که تا به امروز با دغدغه تبادل هنر و فرهنگ بین این سه کشور فعالیت می‌کنند و ایده‌های جالبی را برای برپایی این نمایشگاه مطرح کردند. ایده‌ای که از ابتدا به جهت معرفی آثار زنان هنرمند

قرار تشکیل زندگی مشترک‌شان را گذاشته بودند، به دور از هر سروصدا و مراسمی به خانه بخت رفتند و زندگی مشترک‌شان را شروع کردند. از سوی دیگر بستگان فوت‌شدگان هم حال‌ورز بهتری نداشته‌اند. آنها هم در حال و هوایی غریب فوت‌شدگان‌شان را به خاک سپردند و امکان تجمع بر سر مزار و دادن تسلیت حضوری از سوی بستگان و دوستان فراهم نشد. با توجه به مواردی که گفته شد و تغییراتی که در سبک زندگی مردم جهان پیدا شد، آیا ویروس کرونا باعث شده تا این سبک زندگی جدید در آینده تبدیل به فرهنگ شود؟ اگر به نمونه‌های این تغییرات توجه کنیم، ملاحظه می‌شود که در گذشته اگر ازدواجی بدون جشن عروسی برگزار می‌شد، این را باعث سرخستگی خانواده عروس و داماد می‌دانستند و اظهار تأسف می‌کردند که اینها امکان برگزاری مراسم جشن عروسی‌شان را نداشته‌اند. همچنین وقتی برای شخص فوت‌شده مراسم ختم و فاتحه‌خوانی نمی‌گرفتند، این را دلیل بر ناتوانی خانواده‌های‌شان می‌دانستند که پیامی منفی داشت؛ اما اکنون برگزار‌نشدن این نوع مجالس شادای یا فاتحه‌خوانی را دلیل بر فرهنگ بالای آن خانواده‌ها می‌دانند، که برای جان دیکران ارزش قائل شده‌اند و دیگران را با خطر مواجه نکرده‌اند. از منطری

راز مقاومت سرسختانه

نزدیک کشور ما دارد که به‌احتی می‌توانند در پوته فراموشی قرار گیرند و محو و نابود شوند. «پروست» در اثر شگرف خود «در جست‌وجوی زمان از دست‌رفته» هوشمندانه به ام این وقوف یافته بود که چه سرمایه عظیمی در نظام‌های یادگیری و حافظه‌های دور از دسترس آگاهی و اراده و مغز و تن ما برای هدایت رفتار ما برای زیستن نهفته است که اغلب ما از آن غافلیم. چون به این بخش از حافظه آگاهی نداریم، چه بسا با این غفلت بپریم و از آنها باخبر نشویم. «دهباشی» تاریخی از گذشته دور و نزدیک در جلوی دیدگان ما می‌کشاید که می‌روند تا در اعماق تاریخ تاریخ کم‌ووکور شوند. این همان حافظه ناآگاهی است که «پروست» هم با سماجت و پیگیری به دنبال کشف آن است تا از یاد نرود. اثر ادبی «پروست» و کارهای «دهباشی» در عمق زوایای تاریک فرهنگی کشور ما هشدار است برای همه ما که حجاب من متکرر به‌ظاهر صاحب اراده را به کناری بزیم و به حقایق پنهان در تن و مغز مادی خود نگاهی دوباره کنیم تا بتوانیم تجربیات شخصی و خصوصی خود را هم به امری اجتماعی، فرهنگی درآوریم. کار عظیم «پروست» و فعالیت فرهنگی وسیع یک‌تینه «دهباشی» سختکوش، به ما می‌فهماند که چون تن و مغز ما از ابتدا اجتماعی است برای آموختن در جمع ساخته شده است، هیچ امر شخصی مانند بیماری نفس بر آسم نیست که بعد اجتماعی و یادگیری نداشته باشد و نشان خود را در حافظه فردی و تاریخی زیست انسانی به جا نگذاشته باشد.

علاقه‌مندان می‌توانند به مقاله‌ام: «پروست، حافظه بویایی، در جست‌وجوی زمان از دست‌رفته»،

نشریه بازتاب دانش، شماره‌های ۲۹ و ۳۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۲ صفحات ۲۲-۲۵ مراجعه کنند.

رویداد

ملاقات زنان هنرمند فرانسه و اهالی جلفا

با اعداد نوشته است؛ چراکه عکاسی قبل از هر چیز پروسه‌ای علمی است. صبا نیکام آنچه از الوام می‌گیرد، با ما در میان گذاشت؛ اساطیر و رسم‌ورسوم مردم جهان. نقاشی نادیا آلبرتینی، نَفس، شیئی را به ما نشان داد که از زمان‌های دور می‌آید، زمانی که انسان هنوز سادگی ساخت اشیا را تجربه می‌کرد. دوربین آلیس تَرسی آنچه آن را میخوب کند و قدم‌زدنش را در شهر متوقف کند ثبت کرده است. او انتزاع صحنه‌ای را که می‌توانیم در گردش شبانه خود با آن روبرو شویم، به ما نشان داد. این فرصت را به ما داد تا بتوانیم آنچه را هنگام قدم‌زدن در خیابان از دست داده‌ایم، ببینیم. در این میان، گلناز برومندی زمان را دگرگون به ما نشان داد. ما را به دیدار بیگانه‌ای می‌برد که خود را در او می‌بایم. او ما را در مقابل آنه‌ای غریب قرار داد، در این آینه ما خود را می‌بینیم بی‌آنکه تصویری از خود ببینیم. برین ژلیو ما را سوار بر قایقی از شیشه و بتون و تسمه به سفری روی دریا و باد برد؛ چه سفر عجیب و لذت‌بخشی. ویدئوی الیکا هدایت ما را به فکر فرومی‌برد تا بیشتر به اهمیت ملاقات‌کردن ببندیشیم. «یا راهی باید یافت یا راهی باید

ساخت»، این روشی است که کولین کوئنی در خلق آثارش از آن استفاده کرد. او حتی اثر متلاشی‌شده خودش را فرصتی می‌بیند برای خلق یک اثر جدید. شاید بتوانیم بگوییم او به بهترین شکل ممکن به دیدار تخریب‌ها و آسیب‌ها می‌رود، آنها را پنهان نمی‌کند بلکه با دادن معنایی جدید هویت آن ویرانه‌ها و خرابه‌ها را تغییر می‌دهد.

دیگر این وضعیت خود می‌تواند باعث کاهش شدید هزینه‌های ازدواج شود و ازدواج را توسعه دهد. آیا اینها مقدمه‌ای برای تغییر فرهنگ مردم تلقی نمی‌شود؟ آیا می‌توان تصویر کنونی هم حال‌ورز بهتری نداشته‌اند. آنها هم در حال و هوایی غریب فوت‌شدگان‌شان را به خاک سپردند و امکان تجمع بر سر مزار و دادن تسلیت حضوری از سوی بستگان و دوستان فراهم نشد. با توجه به مواردی که گفته شد و تغییراتی که در سبک زندگی مردم جهان پیدا شد، آیا ویروس کرونا باعث شده تا این سبک زندگی جدید در آینده تبدیل به فرهنگ شود؟ اگر به نمونه‌های این تغییرات توجه کنیم، ملاحظه می‌شود که در گذشته اگر ازدواجی بدون جشن عروسی برگزار می‌شد، این را باعث سرخستگی خانواده عروس و داماد می‌دانستند و اظهار تأسف می‌کردند که اینها امکان برگزاری مراسم جشن عروسی‌شان را نداشته‌اند. همچنین وقتی برای شخص فوت‌شده مراسم ختم و فاتحه‌خوانی نمی‌گرفتند، این را دلیل بر ناتوانی خانواده‌های‌شان می‌دانستند که پیامی منفی داشت؛ اما اکنون برگزار‌نشدن این نوع مجالس شادای یا فاتحه‌خوانی را دلیل بر فرهنگ بالای آن خانواده‌ها می‌دانند، که برای جان دیکران ارزش قائل شده‌اند و دیگران را با خطر مواجه نکرده‌اند. از منطری

درس‌هایی از زندگی باکرونا

نبی‌اله عشقی‌ثانی، در روزهای پایانی سال هستیم، نگاهی به سالی که گذشت بیندازیم. یک سال استثنائی در طول حیات ما بود. همین یک سال قبل بود که مردم وقتی دوستان و بستگان‌شان را می‌دیدند، بی‌اختیار یکدیگر را در آغوش می‌گرفتند، می‌بوسیدند و اظهار خوشحالی و خرسندی می‌کردند. حالا یک سال می‌شود که مردم از این نعمت محروم هستند. حتی از دیدار با یکدیگر نیز منع شده‌اند. اما همین یکی، دو ماه اخیر بود که زمزمه ساخته‌شدن واکنس کرونا بلند شد و باقرهای از امید دیده شد. اول کشورهای ثروتمند شروع به واکنسایسون مردم‌شان کردند و بعد هم جهان سومی‌ها در فهرست دریافت واکنس قرار گرفتند. اگرچه مجمعی با همیاری سازمان بهداشت جهانی به نام آواکس تشکیل شده تا برای توزیع عادلانه واکنس به همه کشورها برنامه‌ریزی و سازماندهی کند. اگرچه گفته می‌شود این واکنس‌ها هم فقط یک ایمنی شش‌ماهه می‌دهد؛ اما باید سپاسگزار دانشمندانی بود که با تلاش فراوان به این مهم دست یافتند. در سالی که گذشت خبری از مراسم عروسی و جشن ازدواج نبود. این زیباترین مراسم و مهم‌ترین جشن همه دوران زندگی انسان‌ها به خاموشی گراییده است. آنها نیز که

مغز پزوه